

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۹ - شنبه ۹۱/۷/۸

نحوه‌ی استدلال به روایت «الْوُقُوفَ عِنْدَ الشُّبُهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْاِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ»

اخباریون چنین استدلال کرده‌اند که باید هنگام برخورد با شبهه متوقف شد و نباید هیچ حکمی کرد بلکه باید به گونه‌ای عمل شود که قطعاً مرتکب خلاف شرع نشویم. لذا در شبهه‌ی تحریمی‌هی حکمیه باید احتیاط کرد یا اگر با شبهه‌ی وجوبیه برخورد شود رجاء و احتیاطاً باید اتیان شود. در این صورت است که نه وارد در هلاکت شده‌ایم و نه گرفتار تشریح شده‌ایم. بنابراین این روایت که سنداً تمام است دالّ بر وجوب احتیاط است.

به این استدلال پاسخ‌هایی داده شده است که برخی از آنها به صورت ضمنی و در کلمات برخی بزرگان اشاره شده است.

پاسخ اول بر استدلال اخباریون به روایت «الْوُقُوفَ عِنْدَ الشُّبُهَةِ...»

این پاسخ که در کلمات شیخ انصاری^۱ بدان اشاره شده است چنین است که: عبارت «الْوُقُوفَ عِنْدَ الشُّبُهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْاِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ» بیش از استحباب احتیاط، چیزی را نمی‌رساند، در حالی که اخباریون مدّعی هستند که در شبهات تحریمی‌هی احتیاط، واجب است پس این عبارت دلالتی بر مدّعی ایشان ندارد.

شیخ رحمته الله این سخن را ناتمام می‌داند و می‌فرماید: معنا ندارد اجتناب از افتادن در هلاکت (جهنم)

۱. فرائد الاصول، ج ۱، ص ۳۴۰.

مستحب باشد. اگر محذور جهنم وجود داشته باشد لازم الاجتناب خواهد بود و چون فرض آن است که مراد از هلاکت، عقاب اخروی است، این اجتناب ضروری است و به تعبیر دیگر احتیاط، واجب است.

قرینه‌ی دیگری که می‌تواند بیانگر وجوب احتیاط در این عبارت باشد آن است که در مقبوله‌ی عمر بن حنظله عبارت «الْوُقُوفَ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ خَيْرٌ مِنَ الْاِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَاتِ» بعد از ذکر مرجحات و در فرض تساوی مرجحات آمده است که حضرت می‌فرمایند:

«إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَأَرْجِهْ حَتَّى تَلْقَى إِمَامَكَ فَإِنَّ الْوُقُوفَ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ خَيْرٌ مِنَ الْاِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَاتِ»^۱.

در حقیقت حضرت می‌فرمایند اگر به چنین شرایطی برخورد کردید در صدور حکم این واقعه تأخیر بیاندازید تا امام علیه السلام حکم واقعه را برای شما بیان کنند و سپس بیان کردند که: «الوقوف عند الشبهات...» و این نشانه‌ی وجوب وقوف و احتیاط است؛ زیرا وقتی ارجاء واجب معلل شود به «الوقوف عند الشبهات...» کشف می‌شود عبارت روایت مفید وجوب است.

این قلت: ممکن است گفته شود کلمه‌ی «خیر» در عبارت «خیرٌ من الاقتحام» أفعال التفضیل و بیانگر بهتر بودن است، بنابراین طرف مقابل آن بد نخواهد بود بلکه خوبی کمتری دارد.

قلت: مرحوم شیخ در پاسخ به این اشکال بیان می‌کند^۲ أفعال التفضیل در بسیاری از موارد به گونه‌ای به کار می‌رود که مفید تعین است. به عنوان مثال اگر گفته شود «اترك الأكل يوماً خيراً من ان أُمْنَع منه سنة»، «خیر» در این جمله به این معنا خواهد بود که باید یک روز پرهیز از غذا خوردن کند تا یک سال از غذا خوردن محروم نشود. همچنین در روایات قریب به این مضامین آمده است: «لان اصلی بعد الوقت احب الی من ان اصلی قبل الوقت»^۳ یا قول حضرت صادق علیه السلام در مقام تقیه: «لان افطر يوماً من شهر رمضان فأفضیه احب الی من أن يضرب عتقی»^۴. در این تعابیر روشن است که «احب» که أفعال التفضیل دال بر تعین

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۶۸.

۲. فرائد الاصول، ج ۱، ص ۳۴۱.

۳. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام لَأَنَّ أَصْلِي بَعْدَ مَا مَضَى الْوَقْتُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَصْلِيَ وَأَنَا فِي شَكٍّ مِنَ الْوَقْتِ وَقَبْلَ الْوَقْتِ. (وسائل الشيعة، ج ۴، ص ۱۶۹، ح ۴۸۲۰)

۴. «... أَنْ أَفْطِرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ يُضْرَبَ عُنُقِي». (الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص ۸۳، ح ۹)

است و در مقابل آن خیر و حُبّی وجود ندارد. بنابراین استعمال افعال التفضیل به معنای تعین، رایج است و نمی‌تواند قرینه‌ای بر استحباب باشد.

نقد و بررسی اشکال اول

به نظر می‌رسد پاسخ شیخ رحمته الله تمام است و استحباب و اجتناب از هلاکت معنا ندارد و نیز ذیل مقبوله‌ی عمر بن حنظله امر به ارجاع است و امر، ظهور در وجوب دارد و معلّل به عبارت «الوقوف عند الشبهه...» شده است، پس علت این امر باید مفید و خوب باشد تا امر بتواند با آن کبرا معلّل شود. در مورد استعمال «خیر» و افعال التفضیل نیز کلام شیخ صحیح است و بلکه اگر کسی مدّعی شود «خیر» دو استعمال دارد و یک‌بار دالّ بر تعین است و یک استعمال آن در افعال التفضیل است، سخن گزافی نگفته است.

پاسخ دوم به استدلال اخباریون

عبارت «الوقوف عند الشبهه خیر من الاقتحام فی الهلکة» مفید امر مولوی نمی‌باشد تا گفته شود وجوب امتثال دارد بلکه ارشاد به حکم عقل است نظیر اوامر طیب به بیمار، در نتیجه وجوب یا عدم وجوب مراعات این اوامر، تابع مرشدّ الیه است. به عنوان مثال اگر طبیبی تشخیص دهد که بیمار به علت کم‌اشتها بودن، نشاطی که باید داشته باشد ندارد و به بیمار امر کند که آب لیمو مصرف کند، روشن است این یک امر ارشادی است و ارشاد به ضرورت نیست؛ زیرا افزایش نشاط، یک امر راجح است نه ضروری. ولی امکان دارد طبیبی در یک بیمار مرض خطرناکی تشخیص دهد و امر کند فلان دارو باید مصرف شود، این امر نیز مولوی نخواهد بود و ارشادی است امّا مرشدّ الیه آن ضروری است.

در این پاسخ بیان می‌شود که عبارت «الوقوف عند الشبهه خیر من الاقتحام فی الهلکة» از شارع بما هو مولی صادر نشده است بلکه بما هو طیب معنوی صادر شده است، در نتیجه ارشادی است و لزوم رعایت آنچه که به آن ارشاد شده است تابع ملاکات و مصالح آن است. اگر مثلاً شبهه مربوط به اطراف علم اجمالی محصور باشد واجب الاجتناب است امّا اگر شبهه‌ی بدویه و بعد فحص باشد یا موضوعیه باشد واجب الاجتناب نخواهد بود. در نتیجه این عبارت بیش از ارشاد چیز دیگری افاده نمی‌کند و ارشاد نیز تابع مرشدّ الیه است.

بیان سید خوئی در ارشادی بودن عبارت «الوقوف عند الشبهه خیر من الاقتحام فی الهلکة»

سید خوئی بیانی فنی بر ارشادی بودن عبارت فوق دارند. ایشان معتقدند در این عبارت یک معلّل و

یک علت ذکر شده است^۱. معلل عبارت است از «الوقوف عند الشبهة» و علت آن «خیر من الاقتحام فی الهلکة» می‌باشد، پس باید در مرتبه‌ی سابق، هلاکت مفروض الوجود باشد تا وجوب بر آن مترتب شود نمی‌شود هلاکت ناشی از وجوب توقّف باشد؛ زیرا اگر هلاکت ناشی از وجوب توقّف باشد دیگر نمی‌توان آن را علت وجوب توقّف دانست؛ در حالی که مفروض آن است که روایت افاده می‌کند: هلاکت علت وجوب توقّف است، پس روایت دالّ بر وجوب مولوی نمی‌باشد.

بنابراین، روایت مذکور در حقیقت ارشاد به حکم عقل است مانند اینکه گفته شود «مبادا جهنمی شوید» و اینکه چه مواردی موجب جهنمی شدن یا هلاکت می‌گردد از این عبارت به دست نمی‌آید.

مقرر: سید حامد طاهری

۱. سید خوبی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۲۹۹.